داستان دو نسل

سیدعلی میرفتاح

پریسا و دایی‌اش-۹

نسل، سندیکا نیست

به هر بدبختی و مصیبتی بود، پریسا سر عقل آمد و قبول کرد رسم پیشین را ادامه دهد. این هم یکی از خصوصیات همین نسل عجیب و غریب است که نمی‌توانند ببینند یک کار طبق روال عادی پیش برود و در یک سیر منطقی به فرجامش نزدیک شود. عین موجودات عجول و شش‌ماهه به دنیا آمده، مدام می‌خواهند یادآوری کنند که «برخلاف چیزی که در کله داری و برخلاف فکری که درباره ما می‌کنی، ما خیلی هم حواس‌جمع هستیم و خیلی هم عقل‌مان می‌رسد و خیلی هم نسبت به دنیا و مافیها تلخ و سیاه و ژرف نگاه می‌کنیم.» درست است که این نسل نهان‌روشی ما را ندارند و از دروغ و ریا و تظاهر بری هستند، اما این صفت نیکو را آنقدر می‌گویند و تکرار می‌کنند و به رخ می‌کشند که آدم به این نتیجه می‌رسد که این بندگان خدا یک جای کارشان ایراد دارد. من البته ریا را پلیدترین و زشت‌ترین ننگی می‌دانم که بر دامان ما افتاده و پاک شدن از آن مهم‌ترین و ضروری‌ترین کار ممکن است، حالا که پرده‌های تعارف بین نسل ما و نسل پریسا دریده شده و ما هرچه به زبان‌مان رسیده بار هم کرده‌ایم، باکی ندارم بگویم که این اخلاص ظاهری و پرسر و صدای نسل جدید، گاهی از سر بی‌عقلی و کوری هم هست. حتی همین که مدام تنفر خود را از دروغ و ریا، داردار می‌کنند، نشان می‌دهد که عقل‌شان هنوز کال است و عکس‌العمل صحیح و خردمندانه در برابر ناملایمتی‌های روزگار را نمی‌دانند. تردیدی ندارم که نسل جدید باهوش و بااستعداد و پرانرژی و بی‌باک و... است، اما هنوز عقلش آن‌طور که باید و شاید نرسیده و هنوز کلی کار دارد تا بتواند جا پای نسل پیش از خود بگذارد. بلاتشبیه، تا گوساله گو شه، دل صاحبش او شه. البته می‌دانم که حرف من بی‌پاسخ نمی‌ماند و پریسا، علاوه بر ضبط خاطرات، جواب دندان‌شکنی هم به من می‌دهد، اما خوشبینم که شاید از میان همین کل‌کل کردن‌ها، راهی فراروی نسل کهنه و نو باز شود تا راه اصلی و حقیقی را از چاه گمراهی بازشناسند.

امروز دلم می‌خواهد همین خاطرات نصیحت‌شنوی و پای پند بزرگان نشستن را مرور کنم. همان خاطراتی که از من موجود کله‌سنگی خشک‌مغز ساخت که پند پیر دانا را نمی‌شنفت... اگرچه البته به ممارست و تکرار و بلوغ شنید. خواجه شیراز می‌فرماید «نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست‌تر دارند/ جوانان سعادتمند پند پیر دانا را». ظاهراً خطابش به جوانان است که دریچه‌های گوش‌شان را به اندرز پیران نبندند و بی‌جهت و با ادعا خود را عقل کل ندانند. حقیقتی است که هر چه سن و سال بالاتر می‌رود، تجربه و فهم از حیات نیز بیشتر و عمیق‌تر می‌شود. خداوند سلامتی و بینایی و چابکی و زیبایی و شادابی را از پا به سن گذاشته‌ها می‌گیرد و در ازایش به آنها خرد و بصیرت و تجربه و فهم می‌دهد. بگذریم که در روزگار ما پیری مترادف خرفتی و کری و مزاحمت و دردسر شده است. پیری امروز، حقیقتاً پیری نیست، شاید به این دلیل که با پیری مثل بیماری برخورد می‌شود و پزشکان و پرستاران و موسسات بهداشتی با تجهیزات کامل به جنگ آن می‌روند که تا آنجا که بتوانند پیری را متوقف یا مهار کنند. پیری در روزگار ما عین مریضی است و با آن همان رفتاری می‌شود که با فرد مریض. پزشکان جلوی پیرچشمی را می‌گیرند، جلوی یائسگی را می‌گیرند، جلوی چین و چروک صورت را می‌گیرند و... خود پیرها هم با فکر واهی و ابزار بلاهت‌بار، پیری را به تعویق می‌اندازند؛ مو رنگ می‌کنند، دندان مصنوعی و یکدست می‌گذارند، کرم دور چشم می‌مالند، لباس‌های رنگی و بعضاً جلف می‌پوشند و با فریبی که اسمش را مثبت‌اندیشی می‌گذارند، به خود تلقین می‌کنند که جوانند و هنوز در اول چل‌چلی به سر می‌برند. قدیم پیری معادل دانایی و حکمت بود و جوانی مترادف جهل و توانایی. روزگار ما که همه چیز به هم ریخته و همه معانی از سر جای اصلی‌شان افتاده‌اند، پیری و جوانی نیز معانی جدیدی پیدا کرده‌اند. حالا دیگر نه جوانی و نه پیری، هیچ‌کدام به عنوان یک مرحله و دوره از سیر عمر به حساب نمی‌آیند. جوانی که فی‌نفسه ارزش پیدا کرده و با جهت و بی‌جهت مورد تجلیل و ستایش قرار می‌گیرد، پیری هم که گفتم، مثل یک فرجام بد و خطرناک، اما محتوم به تعویقش می‌اندازند. اما با همه این حرف‌ها و با همه جابه‌جایی‌ها در مفاهیم و ارزش‌ها، هنوز هم پیری نشان از عقل و خرد دارد و جوانی نشان از جاهلی و ندانم‌کاری. هنوز هم جوانان به حرف پیرها گوش نمی‌دهند و پیرها جوان‌ها را آدم به حساب نمی‌آورند. زمان جوانی ما که این مساله شکلی افراطی و فاجعه‌بار داشت. تا یادم هست، همیشه و همه جا در برابر پیران قوم ایستادیم و حرف آنها را هیچ انگاشتیم. هر جا هم اگر دنبال پیری راه افتادیم و مرید مرادی از خود بزرگ‌تر شدیم، آن پیر را در باطن برنا یافتیم و حرفش را از جنس پند و اندرز نشمردیم. چطور جوانان یونان گرد سقراط جمع شدند و با هرچه رسوم مرسوم و حافظان وضع موجود بود، درافتادند، ما هم شبیه به آنها در مقیاس و حد و اندازه خودمان، جز به سقراط به هیچ پیر دیگری وقعی ننهادیم... حال آنکه در چنته آنها انبوهی اندرز حکیمانه و به درد بخور بود و در گوش ما سربی که به هیچ اندرزی اجازه ورود نمی‌داد. قول سعدی که «بر سیه‌دل چه سود خواندن وعظ/ نرود میخ آهنین در سنگ»، در اصل مصداقی است از نسبت ما با پیش از خودمان، مگر سقراط که حساب او از همه جداست. کار دنیا طوری است که با هر دستی بدهی، با همان دست هم پس می‌گیری. کاری که ما با پیران خود کردیم، همچه باادبانه‌تر و منطقی‌تر از کاری نبود که نسل جدید با ما کرد. و این تازه هنوز اول ماجراست. بگذار ریش و موی ما سفیدتر بشود و علائم پیری و خرفتی در ظاهر و باطن ما نمایان بشود، آن وقت به شما خواهم گفت که ما را حتی در گوشه کهریزک نیز راه نخواهند داد. درست است که ما به حرف پیرمردان گوش ندادیم و کار خودمان را کردیم، اما در ظاهر هم که شده، خیلی بی‌حرمتی نکردیم. اگر پدر و مادرمان را از خانه بیرون انداختیم، لااقل تا دم آسایشگاه سالمندان رساندیم‌شان... اما این نسل جدیدی که من می‌بینم، ما را حتی تا کهریزک هم نمی‌رسانند...

حالا نوبت پریسا

حالا که من از خر شیطان پایین آمدم، شما سوار شدید؟ چرا کار ما عین الاکلنگ شده؟ چرا یا من دارم غر می‌زنم یا شما؟ چرا حالا که من کوتاه آمدم و قبول کردم کارمان را از سر بگیریم، شما یکدفعه فیل‌تان یاد هندوستان کرد و بدهای نسل ما را فهرست کردید؟ نسل ما بد است؟ بی‌عقل است؟ کور است؟ عامی است؟ صداقتش هم حماقت است؟ بی‌وفاست؟ والدینش را حتی تا کهریزک هم نمی‌برد؟ خب نبرد. که چی؟ این حرف‌ها اصلاً یعنی چی؟ من تازه بعد از کلی فکر کردن و بالا و پایین کردن، فهمیدم که به جای دفاع از نسلم، فقط و فقط از خودم دفاع کنم. تازه به این نتیجه رسیدم که به جای اینکه نماینده همسن و سالانم باشم، فقط و فقط نماینده شخص خودم باشم. اگر بدم، بدم، اگر هم خوبم، خوبم. همین. من چه کار به کار بقیه دارم؟ من اتفاقاً نه بی‌ادبم، نه احمقم؟ نه به بزرگ‌ترهایم بی‌احترامی می‌کنم، نه از کسی طلبکارم. خوب و بد همینی هستم که هستم. اصلاً می‌دانید چیست؟ تازه دارم به این نتیجه می‌رسم که از این حرف‌های کلی درباره نسل‌ها چیزی گیرمان نمی‌آید. ما گاهی نسل را بدل از صنفی می‌گیریم که برای منافع مشترک هم که شده باید پای خواسته‌ها و اشتراکات‌مان بایستند. مثل سندیکاهای فرانسه که چطور برای رد یا تصویب یک قانون پشت هم می‌ایستند و اعتصاب و تظاهرات می‌کنند، ما هم به اشتباه فکر می‌کنیم که باید از منافع گروهی‌مان دفاع کنیم و پای هم بایستیم. پای هم ایستادن خوب است، اما واقعیت این است که ما منافع گروهی نداریم. نه فقط ما که هیچ نسلی منافع گروهی ندارد. نسل، سندیکا نیست. ما هزاران، بلکه میلیون‌ها آدمی هستیم که متفاوت از هم فکر می‌کنیم، متفاوت از هم عمل می‌کنیم، متفاوت از هم حرف می‌زنیم. این حرف‌ها که نسل جدید بی‌وفاست و نسل قدیم وفادار، ببخشیدها اما، مال تاکسی است. این حرف‌ها از جنس حرف‌های تاکسی است و از شما بعید است. توی قدیم آدم علاقه‌مند به نصیحت پیران بوده، الان هم هست، توی قدیم بعضی‌ها در برابر نصایح خردمندان گوش آهنی داشتند، هنوز هم دارند... خدا که همه را شبیه هم نساخته. هر کسی یک جور است. هزار سال پیش هم که پیران به قول شما ارج و قربی داشتند، پسری پیدا می‌شده که میل در چشم پدرش می‌کشیده و او را به زندان می‌انداخته، در همان هزار سال پیش هم پیری بوده که پسر جوانش را به خاک سیاه می‌نشانده. آن موقع بوده، الان هم هست، آینده هم خواهد بود... من از این به بعد، فقط و فقط پریسا هستم؛ پریسایی که خاطرات مختص خود را دارد و شبیه به هیچ کس نیست. من نماینده هیچ احدی نیستم، نسل که جای خود دارد... یادتان باشد که این بار شما بودید که از زیر خاطره تعریف کردن فرار کردید. کاری که تازه من اهمیتش را فهمیده‌ام و حاضرم با انرژی و حوصله ادامه‌اش بدهم. من دیگر نسل من، نسل من نمی‌کنم، خواهش می‌کنم که شما هم نکنید. من پریسا هستم و شما هم دایی من. مرور خاطرات پریسا و دایی‌اش چه اشکالی دارد که حتماً باید نمایندگان دو نسل دور از هم باشیم؟

سقفی برای مهریه

اینجا ایران است، فراموش نکنید

صبا صراف

مردم شهر کوچک دهدشت از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد؛ پس از آنکه چند سالی میزان مهریه‌های دختران به شکل زیادی بالا رفت و هر کس با دیدن دوست و آشنا و همسایه خواهان مهر بیشتری برای دخترش شد؛ تا آنکه کم‌کم بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدان شهر دخالت کردند و خود مردم هم تصمیم گرفتند از تعداد سکه‌های مهریه دختران بکاهند، به همین خاطر بیشتر دخترهایی که در این یک یا دو سال اخیر در این شهر ازدواج کرده‌اند، بیشتر از ۳۱۳ سکه (یاران امام زمان) مهریه نداشتند و همه به صورت عرفی آن را رعایت کردند. به گفته علی یکی از ساکنان این شهر در حال حاضر این تعداد سکه بین خود مردم جا افتاده و به خاطر فشارهایی که به خانواده‌ها آمد، تصمیم گرفتند بیش از حدود ۳۰۰ سکه مهریه قرار ندهند.

این اقدام ساکنان شهر دهدشت مدت‌ها پیش از آن بود که مجلس سقف مهریه را برای زوج‌ها مشخص کند و در بررسی ماده ۲۴ لایحه حمایت از خانواده آن را به تصویب برساند. بر اساس این لایحه که به بحث مهریه متعارف و غیرمتعارف می‌پردازد، مهریه متعارف تا سقف ۱۰ میلیون تومان تعیین شده است و خانواده‌هایی که بیشتر از ۱۰ میلیون تومان به عنوان مهریه در نظر بگیرند باید مالیات مازاد این مبلغ را بپردازند. تعیین مبلغی فراتر از ۱۰ میلیون بر اساس لایحه حمایت از خانواده «مهریه نامتعارف» شناخته شده و بر همین مبنا، مشمول مالیات می‌شود. مهریه متعارف در ابتدای هر سال مطابق با نرخ تورم جامعه توسط قوه قضائیه اعلام می‌شود و با این تقسیم‌بندی اگر مرد مهریه متعارف را نپردازد مطابق با ماده ۲ قانون محکومیت‌های اجرایی، بازداشت می‌شود اما در مورد مهریه‌های غیرمتعارف ماده ۲ به اجرا درنمی‌آید، یعنی دولت در قبال مهریه‌های غیرمتعارف دیگر مرد را زندانی نمی‌کند. البته با آنکه بیشتر از یک ماه از زمان تعیین مهریه متعارف در زمان ازدواج تا سقف ۱۰ میلیون تومان می‌گذرد اما به نظر می‌رسد در همین مدت کوتاه هم به فراموشی رفته و نه در بین مردم و نه در دفاتر ثبت ازدواج خبری از اجرای این طرح وجود ندارد، به طوری که یکی از روسای دفترهای ازدواج در محدوده مرکز شهر تهران در برابر شنیدن این مساله آن را «شایعه»ای بیش نمی‌داند و می‌گوید: «شایعه است، اصلاً چنین چیزی امکان ندارد، من ۱۱ سال است که به این کار مشغولم و تا به حال چنین چیزی نشنیده‌ام.» او معتقد است چنین مساله‌ای عملی نیست و می‌گوید: «مهر یک چیز دلخواه و براساس خواست دو طرف است، نمی‌توان مشخص کرد که فرد چقدر باید مهریه بدهد یا بگیرد.»

مجتهد زهره‌صفاتی فقیه و استاد حوزه علمیه قم که از بنیانگذاران حوزه علمیه خواهران نیز هست در گفت‌وگویی پس از تصویب این ماده وجه شرعی آن را ضعیف عنوان کرد و گفت: «از نظر فقهی، تعیین مهریه از طرف خانواده‌ها و طرفین ازدواج لازم است اما اینکه به صورت یک قانون همه‌گیر دربیاید و سقف مشخصی را برای آن در نظر بگیرند، از نظر شرعی و فقهی جای تامل دارد.» او توضیح داد: «پذیرش وجه پررنگ شرعی تعیین سقف مهریه مشکل، قابل تامل و ضعیف است. این موضوع به بررسی و تعمق بیشتری نیاز دارد و ضوابط شرعیه را باید در این مورد بیشتر بررسی کرد.»

نسلی که از همه چیز زیادش را می‌خواهد

اگرچه به نظر می‌رسد مسوولان دولتی یا خیلی از خانواده‌ها با مهریه سنگین موافق نیستند اما آمارها نشان می‌دهد تعداد سکه‌هایی که برای مهریه انتخاب می‌شود در این پنج سال اخیر بالاتر رفته است. معاون پژوهشی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه ماه گذشته اعلام کرد: «متوسط میزان مهریه در پنج سال اخیر به ۴۵۰ سکه رسیده است.» او این میزان رشد در پنج سال اخیر را با میزان رشد آن طی ۳۰ سال برابر دانست و گفت: «مطالعه انجام‌شده در ۱۲ استان کشور نشان می‌دهد متوسط میزان مهریه در ۳۰ سال گذشته از ۱۵۰ به ۳۰۰ سکه افزایش یافت، ولی در مدت پنج سال اخیر این میزان به ۴۵۰ سکه رسیده است.»

به گفته شهلا کاظمی‌پور فعالیت‌های فرهنگی که در این زمینه شده نه‌تنها باعث کاهش تعداد سکه‌ها نشده بلکه آنها را بیشتر هم کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد بین میزان مهریه و تحصیلات فرد رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه تحصیلات فرد بیشتر می‌شود مهریه او هم بالاتر می‌رود. مریم که خودش را پنجاه و هفتی معرفی می‌کند، معتقد است نسل‌های بعدتر و ۶۵ به بعد بیشتر به مادیات در زندگی اهمیت می‌دهند و می‌گوید: «آنها نه‌تنها مهریه بالا بلکه همه چیز از ماشین، خانه و پول می‌خواهند. از هر چیزی هم زیادش را می‌پسندند.»

فرناز دو دختر دارد، مهریه خودش ۱۴ سکه بوده و هیچ وقت هم به فکر گرفتن آن نیفتاده است. او دوست ندارد دخترانش هم مهریه بالایی داشته باشند و معتقد است: «مهریه خوشبختی نمی‌آورد و بهتر است میزان آن کم باشد و دخترها و پسرها بیشتر به فکر زندگی باشند، متاسفانه این روزها خیلی از دخترها مهریه‌های بالا می‌بندند و بعد از یک یا دو سال هم طلاق می‌گیرند و با مهریه خود زندگی‌های آنچنانی می‌کنند.»

او ادامه می‌دهد: «البته باید در نظر گرفت که از طرف دیگر هم مردانی وجود دارند که اگر بخواهند مهریه ندهند، آنقدر زن را اذیت می‌کنند تا او بگوید مهرم حلال، جانم آزاد. به نظر من باید قانون در این زمینه وارد عمل شود، مانند خیلی از کشورهای دیگر که مثلاً اموال زن و مرد بعد از طلاق نصف می‌شود.» محسن نیز که ۱۰ سالی از ازدواجش می‌گذرد با مهریه زیاد موافق نیست و معتقد است تعیین سقف برای آن چندان هم بد نیست. به اعتقاد او این روزها خیلی از خانم‌ها کار می‌کنند و می‌توانند از پس خود بربیایند. اما او می‌گوید: «البته ۱۰ میلیون هم رقم مناسبی نیست و بهتر است به جای مهریه حقوق مساوی زن و مرد رعایت شود و بر اساس میزان دارایی‌ها و اموال‌شان مبلغی برای هر دو در نظر گرفته شود.»

شکوفه ۲۱ساله و مجرد است. او کاملاً مخالف سقف مهریه است و مبلغ آن را بسیار کم می‌داند. او می‌گوید پدرش وضع مالی خوبی دارد: «آخر من جهیزیه‌ام زیر ۲۰ میلیون تومان نخواهد بود و مطمئناً هم مجبورم با جهیزیه به خانه همسرم بروم، خب مسلماً مهریه ۱۰ میلیون تومانی به درد من نمی‌خورد. اگر بحث کاهش هزینه‌هاست چرا قانونی برای کم شدن هزینه‌هایی که خانواده دختر می‌کند، نمی‌گذارند، به هر حال باید اگر قانونی گذاشته می‌شود برای دو طرف باشد.»

پیشنهادی

بیمه مهریه

پرداخت مهریه از طریق بیمه پیشنهاد یا طرحی است که به شکل‌های مختلف تا به حال مطرح شده و بحث آن به میان آمده است، برخی از اجرا شدن آن در کشور گفتند و برخی خبر اجرای آن را در کشور وعده دادند و منتشر کردند و بعد هم آن را منتفی دانستند. سال گذشته طرحی به عنوان «بیمه مهریه و طلاق» مطرح شد. این طرح که به گفته کارشناسان دارای ابهامات چندی بود، با وجود توافق بر سر اجرای آزمایشی اجرا نشد و به آینده موکول شد. در صورت اجرای این طرح مردان هنگام ازدواج مجبور به امضای بیمه‌نامه‌ای می‌شوند که طبق آن شرکت بیمه با دریافت حق بیمه از آنان، مبلغی برابر با حداقل حقوق کارکنان (که در طرح اولیه ۲۵۰ هزار تومان لحاظ شده بود) به صورت ماهانه به حساب همسران‌شان واریز کند تا در صورت طلاق، زنان از این پشتوانه مالی برخوردار باشند. البته این طرح فقط شامل زنان خانه‌داری می‌شد که درآمد مستقلی ندارند. خبرآنلاین در گزارشی که به این موضوع پرداخته، نوشته است در زمان مطرح شدن آن، خبرهایی نیز مبنی بر اجرای این طرح در استان‌هایی مانند مشهد، گلستان و سمنان منتشر شد و بسیاری از کارشناسان این حوزه نیز از آن حمایت کردند. سیمین محمودی رئیس اداره کل پژوهش و اطلاعات آماری نیز در مصاحبه‌ای خبر از اجرای چنین طرحی از گذشته داده و اشاره کرده بود که بیمه‌نامه مهریه در کنار بیمه‌نامه جهیزیه از سال ۱۳۷۵ شروع به ارائه خدمات کرده‌اند. «این دو بیمه‌نامه می‌تواند کمکی برای تهیه جهیزیه یا پرداخت مهریه به صورت اقساط در درازمدت باشد، البته به شرط آنکه زن و مرد به توافق برسند که این مبلغ می‌تواند از اصل مهریه کسر شود که در غیر این صورت این مبلغ غیر از اصل مهریه به زن تعلق می‌گیرد. بیمه شده حتماً باید زوج باشد و استفاده‌کننده کسی غیر از زوجه نمی‌تواند باشد. در این نوع بیمه، بیمه‌گذار می‌تواند هم خود زوج یا پدرش باشد یا هرکس دیگر که پرداخت حق بیمه را تقبل کند.» در این طرح پرداخت مهریه تنها مربوط به طلاق نبوده و اگر زوجی در بین مدت بیمه از یکدیگر جدا شوند و از آن تاریخ به بعد مرد هیچ حق بیمه‌ای پرداخت نکند تمام ذخیره ریالی بیمه تا آن روز به زن پرداخت می‌شود. او در این گفت‌وگو که سال گذشته با تهران امروز انجام داده است، اشاره می‌کند که ۳۰۲ نفر نیز عضو بیمه مهریه هستند.

گفت‌وگو

مهریه را هم داده‌اند، هم گرفته‌اند

لایحه حمایت از خانواده از زمان طرح خود یعنی در حدود چهار سال پیش وقتی در سال ۸۶ برای تصویب به مجلس ارائه شد، جنجال‌های زیادی به دنبال داشت و چندین بار به صحن مجلس آمد و بازگشت، اما در میان شلوغی‌هایی که مواد ۲۲ و ۲۳ این لایحه داشت و هنوز نیز برای به تصویب رسیدن یا نرسیدن جدل‌های زیادی وجود دارد، برای ماده ۲۴ این لایحه که به بحث مهریه متعارف و غیرمتعارف می‌پردازد، میزانی به عنوان سقف مهریه تعیین شد. شهین‌دخت ملاوردی فعال حقوق زنان در مورد ریشه‌های شکل‌گیری این طرح، نیازهای جامعه و جایگاه آن در خانواده‌های ایرانی با «شرق» گفت‌وگو کرد.

- ارائه طرحی مثل تعیین کردن سقف برای مهریه و قرار دادن یک میزان برای آن، آیا می‌تواند در بین خانواده‌های ایرانی قابل پذیرش باشد، این طرح چقدر در بین مردم جایگاه دارد؟

به اعتقاد من تا زمانی که خانواده ایرانی به عنوان یک اهرم فشار به مهریه نگاه می‌کند و با توجه به جایگاه نازل زنان در سیاست‌ها و طرح‌هایی که در جامعه وجود دارد این مساله جایگاه چندانی بین خانواده‌ها پیدا نمی‌کند. تعیین سقف مهریه را می‌توان از سیاست‌هایی دانست که در آن به زنان کمتر توجه شده است و تا جایی که نگاه انسانی به زن و به هر یک از افراد جامعه وجود نداشته باشد به دنبال آن دستورالعمل‌هایی که مطابق خواست و حقوق آنان باشد به وجود نمی‌آید. مهریه نیز یک قرارداد میان دو فردی است که می‌خواهند ازدواج کنند و تصمیم‌گیری در مورد آن در اختیار زوجین و خانواده‌های آنان است، در این شرایط دولت نمی‌تواند تاثیر مثبتی بر روی تعیین میزان آن بگذارد. و تا زمانی که برابری حقوق زن نباشد نمی‌توان روی چنین فرهنگ و عرفی تاثیر گذاشت.

- فکر می‌کنید به وجود آمدن تصمیمی مثل تعیین سقف برای مهریه آن هم پس از این همه سال که مهریه یکی از سنت‌های شرعی و عرفی جامعه بوده می‌تواند ناشی از چه باشد که در این سال‌ها و در ماده ۲۴ لایحه «حمایت از خانواده» طرح شد؟

تعیین سقف مهریه با هدف کاهش قیمت‌های نجومی مهریه و زندانی شدن مرد مطرح شد، اما باید توجه داشت که مرد به لحاظ حقوقی فردی بدهکار در مقابل مهریه است. در حقیقت مردی که زیر بار مهریه سنگین رفته است باید تاوان آن را هم بدهد، چون آن را به انتخاب پذیرفته است. به اعتقاد من انگشت اشاره‌ای که همواره به سوی خانواده دختر برای تعیین میزان مهریه می‌رود، باید به سمت پسر و خانواده او برود که این مساله را قبول کرده‌اند و در حقیقت به این درخواست تن داده‌اند. این آموزش باید از سوی خانواده، صدا و سیما و دفترخانه‌های ثبت ازدواج به پسر داده شود که دیگر زمان «کی داده، کی گرفته» گذشته است. در حقیقت مانند فرد بدهکاری است که به هر دلیلی نتوانسته بدهی خود را بدهد و باید دوره محکومیت خود را بگذراند.

- دلیل به وجود آمدن این مهریه‌های سنگین چه بوده، با توجه به اینکه تحقیقی که اخیراً صورت گرفته نشان می‌دهد در پنج سال اخیر مهریه‌ها به اندازه رقمی برابر با یک دوره ۳۰ ساله افزایش داشته است، علت اینکه مردم بیش از گذشته به گرفتن مهریه‌های سنگین روی آورده‌اند ریشه در کدام بخش از جامعه دارد؟

ببینید در سال‌های اخیر مهریه بیشتر از آنکه عامل اقتصادی داشته باشد، از نظر اجتماعی و روانی هم بسیار تاثیرگذار است. در حقیقت رابطه معنی‌داری بین سیاست‌هایی که کمتر منافع زنان را مورد توجه دارد و تاکید مردم برای گرفتن مهریه وجود دارد، به عنوان مثال بحث لایحه حمایت از خانواده به جای آنکه بیشتر زنان را مورد حمایت قرار دهد و ایجاد حس امنیت را در خانواده ایجاد کند، در شرایط فعلی بیشتر حس ناامنی و نگرانی را در خانواده‌ها به وجود می‌آورد و این نگرانی‌ها خانواده‌های ایرانی را به لحاظ روحی و روانی دچار تاثیراتی منفی می‌کند. حال چنین خانواده‌ای که دائماً با بحران‌های روحی و حتی اقتصادی در جامعه مواجه هستند و در عین حال می‌بینند که دختران‌شان جایگاه حقوقی چندانی ندارند، برای تامین آینده باثبات برای او به مهریه روی می‌آورند و از آن به عنوان اهرم استفاده می‌کنند.

- تغییر برای گرفتن حقوق برابر میان زن و شوهر و جایگزینی قوانینی که بتواند جایگزین مهریه شود تا در عین پایمال نشدن حقوق دختر پس از ازدواج، چنین مرسوماتی مثل گرفتن مهریه بالا از بین برود، خواست خود جوانان نیز هست و آیا آنها خود این مساله را مطرح می‌کنند؟

جوانان در ایران به مفرهای قانونی روی آورده‌اند، به عنوان مثال خیلی از زوج‌های مراجعه‌کننده به دفترخانه‌ها برای ازدواج، وکالت مطلقه را به زن می‌دهند و در مقابل دختران نیز میزان مهریه را کمتر می‌کنند یا از آن می‌گذرند. در مواد قانونی ۱۲ تا ۱۳ بند وجود دارد که بر اساس آن زن باید این بندها را به قاضی اثبات کند تا بتواند طلاق خود را از مرد بگیرد، اما بسیاری از زوج‌های جوان، امروزه با دادن وکالت مطلقه به زن در حقیقت این بندها را به نوعی دور زده و حق طلاق را به دختر می‌دهند و دختران که آگاه‌تر شده‌اند سعی می‌کنند با گرفتن این حق طلاق مشکلاتی را که در گذشته دامنگیر بسیاری از زنان می‌شد کم کنند و این هم خواست دختران است و هم پسرانی که مراجعه می‌کنند. در حقیقت در تلاشند تا از مفرهای قانونی برای گرفتن حقوق برابر استفاده کنند و حس امنیت بیشتری بیابند.

سودوکو شماره ۷۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

3		5			9			6
	1	4						
			2	6		3		
	7			5				
	6		1		2		8	
				3			9	
		7		9	6			
						6	5	
8			3			1		4

حل سودوکو شماره ۷۵

2	7	9	1	8	3	4	5	6
5	3	6	7	2	4	9	8	1
4	1	8	5	9	6	2	3	7
8	5	7	4	1	9	6	2	3
1	4	3	8	6	2	5	7	9
9	6	2	3	7	5	8	1	4
3	2	4	9	5	1	7	6	8
6	8	1	2	4	7	3	9	5
7	9	5	6	3	8	1	4	2

جدول شماره ۱۰۶۸

افقی

۱- کتابی به فارسی در شرح وقایع تاریخ‌نگاری و جنگ‌های یکی از سلاطین تیموری تالیف علامی- مجموعه اشعار دلکش در یونان باستان ۲- همسر ابراهیم نبی(ع)- مصرشناس فرانسوی که رموز بسیاری در مورد پاپیروس‌ها کشف کرده است- پوستر ۳- تاکسی دریایی- زردک- نارنگی ژاپنی ۴- باد خنک- عدن- سخن‌چین ۵- حرف نفی ابد- بی‌حرکت شدن- متراکم ۶- مقیاس اندازه‌گیری- عنصر فلزی شماره ۷۵ جدول تناوبی- فرمان ۷- ظریف- صدا، نغمه- مرده و جسد ۸- نرم‌افزار نقشه‌کشی- غم و اندوه کسی را کاستن و آرامش دادن ۹- زرد خارجی- سوره ابی‌لهب- حلال شرعی ۱۰- گوساله‌کش معروف- بخشش‌ها- سنت ۱۱- علم حرکت اجسام- حمله، یورش- هر حیوان درنده ۱۲- از الفبای فارسی- وجود- از امپراتوری‌های خونخوار ۱۳- سیاستمدار هندی- جاری- خوش‌ترکیب بودن ۱۴- کیسه لباس- گذرگاه سیل- لعنت خدا بر او باد ۱۵- فارغ‌التحصیل رشته برق- مطبخ.

عمودی

۱- مسکوک نقره انگلیسی- پرده‌داری خانه کعبه ۲- جوهر بدن- رودی در مازندران- افراد تحت سرپرستی رئیس خانواده ۳- تیز و قاطع- بازار بی‌سروته- زاویه باز در هندسه ۴- شهری در مازندران- محصول گون- شهری در اتریش ۵- جسم- طعام عروسی- خوب نیست ۶- غذای آبکی- پایتخت کشور مالی- درخت تسبیح ۷- گوی نقره‌ای‌پوش شب- یکسوکننده الکتریکی- پوشیده و پنهان ۸- بادی که گرد و خاک بلند کند- صوت شگفتی و تعجب- ضمیر دوم شخص- قانون چنگیز ۹- از صنایع ادبی- ضایع- سلاح دفاعی عقرب ۱۰- بزم و سور- زشت و قبیح- گونه ۱۱- خرس فلکی- دگرگون ساختن چیزی و تغییر آن- از وسایل آزمایشگاهی ۱۲- شهر صنعتی آلمان- ورم زخم- شهری در آلمان ۱۳- تقدیر- درختافکن- در آرزوی فرزند ۱۴- دسته پیستون- از بروج فلکی- حرف نوروزی ۱۵- بندری در مازندران- از شاگردان نامی سیدجمال‌الدین اسدآبادی.

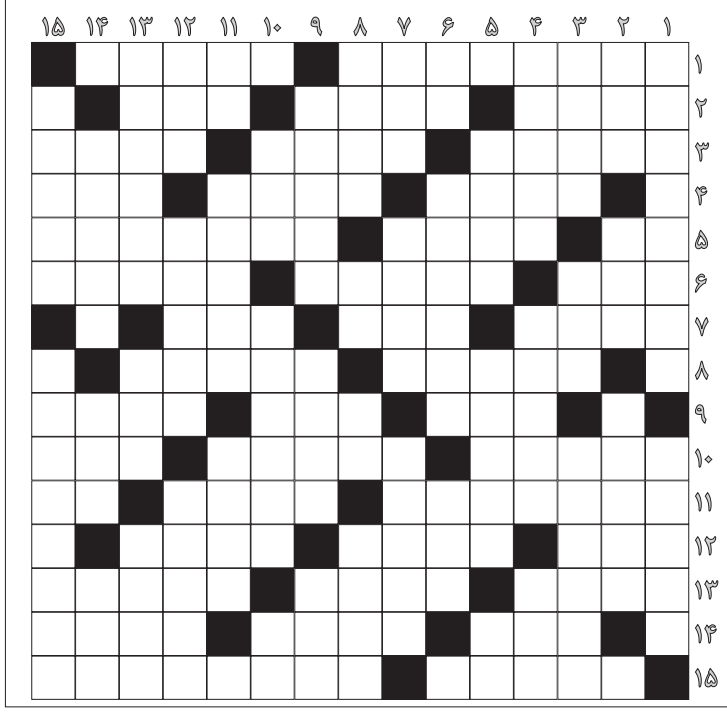
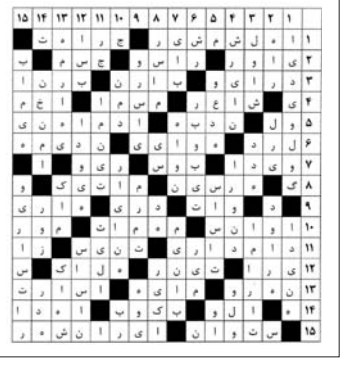
حل جدول شماره ۱۰۶۷